

## حجم‌ها، کاغذها

### مروری بر نمایشگاه حجم‌های کاغذی آزاده حسینی

شروین طاهری

می‌کند. باین‌همه در میانه هر پلات یا منطقه، فضاهایی مازاد باقی است. مرزبندی هر قطعه با سوختن گوشه‌های کاغذها مخدوش شده است. میان این آشفتگی منظم و معنای «پروپاگاندا» ارتباطی معنی‌شناسانه برقرار است. یعنی حسینی معنای تبلیغات را هم‌عرض آشفتگی منظم می‌گیرد. بی‌آنکه الزاماً تجربه حسانی از تابلو به معنایی خاص ارجاع دهد. این سطح از بازی مضاعف، فرصت تجربه‌ورزی در برابر تابلو را افزایش می‌دهد. به عبارت دیگر رابطه پیشین مواد استفاده‌شده (مطبوعات، کتاب‌ها یا نوشتارهای کاغذی) را از نو به میان می‌کشد، بی‌آنکه حالت فعلی را که به دگرگونی ماهیت‌شان به صورت شکلی از ماده تجسمی، مخدوش سازد. تابلوی دیگر «۱۰۰۱ روز از زندگی من» نیز همین رفتار را تکرار می‌کند. تکه‌های بریده‌شده از مجلات و کتاب‌ها به صورت عمودی فرمی زیباشناسانه را در میانه بوم ایجاد کرده‌اند. لایه‌ای بودن هر بخش، بافتی را می‌سازد که پیگیری کلیت شکل را برای چشم میسر می‌کند. اثر بیشتر به طراحی آزاده شبیه است. اما از آنجایی که عنوان به نوعی به گذران زندگی اشاره دارد، لایه‌ها هم‌زمان موقعیت درخت، یعنی ماهیت کاغذ را از یک سو و پرورده‌های هویتی یا دفتر خاطرات را نیز تداعی می‌کنند. فرم کلی یک‌شکل هندسی منتظم نیست. یعنی هر بخش نسبت نامنظمی با کناری‌اش می‌سازد. این رهیافت ارتباط معنی‌شناسانه با این ایده که زندگی حجمی است نامنظم و مکتوب‌شده را به شکل‌بندی کار وصل می‌کند.

در مجموع نمایشگاه حجم‌های کاغذی در عین وفاداری به فرم بصری مدرن و کاربست فرمول کلیدی آن، یعنی بیان فرایند آفرینش به میانجی درگیری با کارماده، موفق می‌شود وضعیت‌های معنی‌شناختی را نیز وارد تجربه کارها کند. ما نه تنها با آثاری «زیبا» روبه‌رویم، بلکه پازل عناوین، امکان سطحی از روایت تازه را برای کلیت‌های تجربه‌شده فراهم آورده است.

بوم انتقال بحرانی مفاهیم را میسر می‌کند. در مواجهه با این آثار، میان خواندن نوشتارهای قطعه‌قطعه شده، تصاویر ناتمام و پیام‌های نیمه‌کاره صفحه مجلات، و شکل کلاژ و تکه‌چسبانی آن‌ها در کنار هم و موقعیت سه‌بعدی که بر سطح بوم ایجاد می‌کند، تعارض درمی‌گیرد. از سوی دیگر سوختن، به مثابه کنشی برای ایجاد وضعیت تازه بصری، حامل این پیام ضمنی است، تنها با خشونت می‌توان وضعیت‌هایی پایدار وضع کرد. مجله به‌مثابه رسانه‌ای برای انتقال موضوعی خاص، به میانجی گرافیک تصویری و نوشتار به کارماده‌ای برای مداخله تبدیل می‌شود. حسینی چیزی آماده را با بردن و از نو سرهم‌بندی کردن از موقعیت فضایی - مکانی‌اش جدا کرده و می‌گذارد سازمانی از تجربه حسانی تازه ساخته شود. او با مداخله «آگاهانه» در نحوه‌های چیدن لایه‌ها، مصرف کالایی برگه یا نشریه را آشفتنه کرده، اما هم‌زمان نحوه تجربه آن را نیز دگرگونه می‌کند. مجله یا رسانه خود به کارماده‌ای تازه برای تجسم تبدیل می‌شود، هم‌زمان با اینکه این شکل لایه‌بندی ماهیت شکل‌گیری تصویر را هم تجسم می‌بخشد. ورقه‌های سوخته در تابلویی دیگر شکلی زمین‌شناختی به کار می‌بخشند. سوختگی برگه‌ها معنایی زمینه‌ای را احضار می‌کند، سوزاندن کتاب، اما به سرعت آن را کنار زده وضعیت فضایی را می‌گشاید که در آن نه کاغذ و نه بوم، همان چیزهای پیشین نیستند. یا مربع‌های بریده‌شده و شبکه‌های چیده شده، نخست تصویری از شهری با آسمان خراش‌های بلند را پیش می‌کشد، اما به سرعت تناسب‌ها و تغزل شکل‌ها را برجسته می‌کند. این بازی مدام تکرار می‌شود.

از سوی دیگر کارها با عناوین‌شان هم رابطه‌ای برآشوبنده دارند. هر چه بیشتر به کارها خیره شوید، فرمالیسم و امکان بازی صورت‌ها برجسته‌تر می‌شوند. اما عناوین به‌نگاه نوعی پیوند معنایی تصادفی را ایجاد می‌کنند. تابلویی که دفترچه‌هایی سوخته را در نظمی نردبانی کنار هم چیده «پروپاگاندا» نام دارد. سطوح رنگی جلد‌ها و سوختگی آن‌ها اثر را چندلایه

روزمرگی آکنده از اشیاء است. اتاق‌ها، خانه‌ها، خیابان‌ها و هر مکان‌مندی دیگر حضور خود را به میانجی چیزها نشان می‌دهند. هر چیز، شبکه‌ای از استفاده‌ها و روابط را می‌سازد و بدین ترتیب هر مکان را به وضعیت‌های چندگانه فضایی تقسیم می‌کند. جابه‌جایی چیزها از محدودهای متعین و آشنا، آن‌ها را به موضوعاتی تازه تبدیل می‌کند. در تاریخ هنر «حاضر آماده‌ها» و «تکه‌چسبانی‌ها» انقلاب چیزهای روزمره و مصرفی بر علیه چیزهای مقدس و «ارزشمند» را نمایندگی می‌کردند. جابه‌جایی یک چیز به معنای رخنه در فضا - مکان و دگرگونی آن بود و می‌توانست در معنایی تثبیت‌شده وضعیت شکاف ایجاد کند. مداخله در چیدمان‌ها، جایگاه‌ها و نحوه قرارگیری چیزهای مصرفی از آن‌ها چیزهایی تازه می‌ساخت. همچنین استفاده از یک قطعه می‌توانست دلالت‌های کلی معنایی آن را به درون اثر تازه منتقل کند یا این انتقال را بحرانی سازد. استفاده از یک قطعه روزنامه در میانه تصویری از کشتار، هم‌زمان که معنای «خبری - مستندساز» روزنامه را نشان می‌گیرد، ناتوانی یا بخشی از کل ماجرا بودن آن را نیز نشان می‌دهد.

آزاده حسینی نوعی مداخله میان شیء را به عنوان کنش هنری برگزیده است. او ساحت تثبیت‌شده چند رسانه خاص را درمی‌نوردد تا امکان سرهم‌بندی تازه‌ای به‌مثابه یک کل استتیک فراهم آید. بوم به‌مثابه قاب که واحد تصویر است، با سازمان‌های حجمی از اشیاء آماده، یعنی کاغذها و مقواها، پُر می‌شود تا شکلی تازه از بیان فرمال را ایجاد کند. کاغذها به خطوط طراحان کاهیده می‌شوند و تعلیق میان حجم‌دار بودن و سطح ایجاد می‌شود. نمایشگاه در سه سطح یا سه لایه روی می‌دهد: حجم به‌مثابه خط، حجم به‌مثابه فرم و مداخله در کار ماده به عنوان تعلیق وضعیت استتیک. این وضعیت سوم است که مقدمه پیشین را معنادار می‌کند. استفاده از بریده‌مجلات فرهنگ سلامت عمومی و مد، و چیدن اتفاقی یا شکلی آن‌ها به نفع ایجاد یک موقعیت تعلیقی روی سطح

